

شماره چاپ: ۱۶۸۹

دوره هشتم - سال چهارم

شماره ثبت: ۵۹۵

تاریخ چاپ: ۱۳۹۰/۸/۲

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«طرح اداره صداوسیما جمهوری اسلامی ایران»

کد موضوعی: ۲۷۰

شماره مسلسل: ۱۲۰۴۳

آبان ماه ۱۳۹۰

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۴.....	مقدمه
۵.....	۱. عنوان طرح
۶.....	۲. مقدمه توجیهی
۷.....	۳. ماده (۱) و تبصره آن
۸.....	۴. انحصارات سازمان موضوع ماده (۲)
۱۲.....	۵. مأموریت سازمان موضوع ماده (۴)
۱۴.....	۶. خطمشی و ارزش‌های حاکم بر برنامه‌های سازمان موضوع ماده (۵)
۱۵.....	۷. تشکیلات صداوسیما
۱۸.....	۸. کسب مجوز از سازمان موضوع ماده (۶)
۲۲.....	۹. وظایف سازمان موضوع ماده (۷)
۲۴.....	۱۰. اختیارات سازمان موضوع ماده (۸)
۲۷.....	۱۱. وظایف و اختیارات رئیس سازمان موضوع ماده (۹)
۲۹.....	۱۲. نظارت
۳۵.....	۱۳. درخصوص فصل اموال
۳۵.....	۱۴. سایر مقررات
۳۶.....	نتیجه‌گیری



اظهار نظر کارشناسی درباره:
«طرح اداره صداوسیما جمهوری اسلامی ایران»

چکیده

طرح اداره صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در ۶ فصل و ۴۰ ماده تنظیم شده و یک فوریت آن در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۰/۷/۲۶ به تصویب رسیده است. در این طرح ماهیت حقوقی صداوسیما مؤسسه دولتی دانسته شده که از ابتکارات این طرح می‌باشد لکن دو موضوع زیر محل اصلی نزاع است:

۱. انحصارات سازمان (مندرج در مواد (۲) و (۶))،

۲. تنظیم روابط مربوط به نظارت همزمان بر صداوسیما از سوی مقام معظم رهبری و شورای نظارت بر صداوسیما (مندرج در ماده (۲۱)). درخصوص مورد اول باید توجه داشت که به واسطه تغییر فضای ایران و جهان از حیث تولید و توزیع فرآورده‌های رسانه‌ای، فرهنگی و به‌طور خاص رادیو - تلویزیونی، سیاست انحصار رسانه‌ای در فضای کنونی ممکن نیست؛ چه اینکه،

۱-۱. از یکسو در عمل امکان انحصار میسر نیست زیرا دریافت امواج تلویزیونی که خارج از ایران پخش می‌شود در داخل میسر است و این واقعیت اصل انحصاری بودن را به چالش کشیده است، بنابراین در عمل فضای امواج رادیو - تلویزیونی ایران از انحصار صداوسیما خارج شده است و لحاظ کردن عنوان

انحصار در قانون واقعیت را عوض نمی‌کند علاوه بر این اقدام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای اعطای مجوز فعالیت به شبکه‌های ماهواره‌ای و سکوت صداوسیما در قبال این نوع تصمیمات و مجوزها در شرایطی که پیش از این با پیگیری و اعتراض فراوان همراه بود نمونه‌ای از پذیرش این واقعیت از سوی مسئولین امر، به‌خصوص صداوسیماست (هر چند مصاحبه‌های مسئولین وزارت ارشاد موضوع را در ابهام گذاشته است).

۱-۲. از طرف دیگر روند انحصارزدای گسترش اینترنت و ورود آن به فعالیت‌های خبری در قالب سایت‌ها و خبرگزاری‌های مجازی با ایجاد تغییر در تلقی قانونگذار در خصوص مفهوم مطبوعه و کار مطبوعاتی، نهایتاً در اصلاحیه ماده (۱) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۸۸/۹/۸ به توسعه مفهوم کار مطبوعاتی از نوشتار صرف به پخش صوت و تصویر نیز انجامید. این قانون که به تصویب شورای محترم نگهبان نیز رسیده است نشان می‌دهد که پخش برنامه‌های صوتی و تصویری در فضای مجازی مصداق پخش رادیو و تلویزیونی نیست و مفهوم پخش رادیو - تلویزیونی را باید در همان محدوده ارسال و دریافت از طرف فرستنده‌ها و گیرنده‌های موسوم به رادیو - تلویزیونی خلاصه کرد. بنابراین افزایش حوزه انحصارات سازمان مغایر با قانون فوق‌الذکر است.

۱-۳. همچنین باید توجه داشت که سیاست انحصاری بودن فعالیت‌های رادیو و تلویزیونی داخلی در صداوسیما فقط منجر به محدود شدن و عقب‌ماندن رقبای رسانه ملی نشده بلکه به همان میزان و چه بسا بیش از آن به دلیل از بین بردن فضای



رقابتی عملاً منجر به تنبلی، عقب‌ماندگی و کسالت صداوسیما نیز گشته است و بازداشتن دیگران از رقابت با رسانه ملی نهایتاً به نفع صداوسیما تمام نشده است؛ این درحالی است که صداوسیما همواره بسیاری از کم‌کاری‌ها و فضای غیرحرفه‌ای خود را پشت منش و امکان انحصاری خود پنهان داشته است. علاقه روزافزون و همه‌جانبه سازمان به توسعه حوزه فعالیت‌های خود و از بین بردن عملی میزان رقابت و حتی ادعای در اختیار گرفتن انحصاری کل امکان پخش صوت و تصویر در فضای مجازی نشانه واضحی بر علاقه رسانه ملی به این سیاست ناکارآمد و کهنه و عیب پنهان‌کن است.

علیرغم همه این واقعیت‌ها، طرح ارائه شده حوزه وظایف انحصاری سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران را ابتدا از پخش رادیو و تلویزیون به طیف بدون آغاز و پایانی از فعالیت‌های رادیو و تلویزیونی و سپس به فعالیت‌های دیداری شنیداری غیر رادیو و تلویزیونی (اعطای اختیارات وسیعی از مشارکت در تولید فیلم‌های سینمایی، ساخت شهرک‌های سینمایی و سالن‌های سینما و حتی ساخت و اداره نمایشگاه‌ها و حمایت از نخبگان) و دست آخر به مجموعه فعالیت‌های رسانه‌ای مجازی در فضای سایبر گسترش داده و در ادامه آن سازمان را متولی تمام‌بخش ارتباطات در کشور دانسته است.

درخصوص مطلب دوم نیز به نظر می‌رسد اگرچه اصل ارسال گزارش‌های شورای نظارت به دفتر مقام معظم رهبری که در صدر این ماده به آن تصریح شده از جهت مطابقت با قانون اساسی بلاشکال است، اما ادامه این ماده که با بیان عبارت «تا با سازوکار رسیدگی و اجرای آن به تشخیص مقام معظم رهبری» رهبری را در معرض نوعی تکلیف تلویحی تعیین شده از سوی مجلس قرار خواهد داد، مغایر اصول

متعدد قانون اساسی و مصداق تعیین تکلیف نهاد مادون برای مقام مافوق است. بدیهی است که گنجاندن عبارت «به تشخیص مقام معظم رهبری» مشکل مذکور را برطرف نمی‌کند، زیرا این عبارت تشخیص رهبری و اختیار عمل ایشان را نه درخصوص اصل رسیدگی به گزارش‌های شورای نظارت بلکه ناظر به نحوه رسیدگی دانسته است. بنابراین ماده (۲۱) علیرغم تصریح به تشخیص و صلاحدید رهبری برای نحوه رسیدگی به شکایت‌های شورای نظارت، به‌علت مکلف کردن رهبری به اصل رسیدگی به شکایت‌ها مغایرت صریح با اصول پنجاه و هفتم و یکصد و دهم قانون اساسی دارد.

مقدمه

در ادامه مباحث قانونگذاری درخصوص صداوسیما و پس از اینکه طرح قبلی اداره صداوسیما مسترد شد زمینه برای ارائه طرح دیگری فراهم آمد. این مهم با ارائه طرح جدیدی از سوی کمیسیون فرهنگی و با امضای ۳۷ نفر از نمایندگان جامعه عمل پوشید که یک فوریت آن در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۰/۷/۲۶ به تصویب رسیده است. این طرح که در ۶ فصل و ۴۰ ماده تنظیم شده تا حدود زیادی به یک قانون مطلوب نزدیک شده است. گزارش حاضر با بررسی مواد طرح ارائه شده، مواردی که مغایر قانون اساسی و سایر قوانین عادی است و با برخی وظایف دستگاه‌های اجرایی تداخل دارند را مورد بررسی قرار داده و پیشنهادهای را در این خصوص ارائه کرده است.



۱. عنوان طرح

طرح اداره صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

نظر کارشناسی

مطابق ماده (۱۳۰) آیین‌نامه داخلی مجلس، طرح باید دارای موادی متناسب با اصل موضوع و عنوان طرح باشد، به عبارت دیگر باید عنوان طرح جامع و مانع همه موارد موجود در طرح باشد. این درحالی است که فصل دوم طرح مذکور به خطمشی کلی و اصول و ارزش‌های حاکم بر برنامه‌ها پرداخته است و مواد (۱۰) تا (۲۴) آن به موضوع نظارت بر صداوسیما اختصاص دارد. بنابراین مواد طرح اعم از عنوان آن است، علاوه بر این در عنوان این طرح از به کار بردن لفظ جامع باید پرهیز شود، زیرا این طرح جامع مقررات مربوط به محتویات برنامه‌ها مانند مسئولیت مدنی یا کیفی ناشی از جرائم محتوایی نیست و نیز این طرح فاقد مقررات مربوط به حقوق حرفه‌ای فعالیت‌های رادیو - تلویزیونی مانند حقوق و تکالیف خبرنگاران و امثال آن است، لذا پیشنهاد می‌شود از آنجا که ذیل اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی به لزوم تدوین قانون در خصوص خطمشی، ترتیب اداره و نظارت تأکید شده و این قانون در راستای اجرای اصل فوق تهیه شده عنوان طرح، به یکی از دو صورت ذیل تغییر یابد:

پیشنهاد ۱: قانون خطمشی، اداره و نظارت صداوسیما،

پیشنهاد ۲: قانون صداوسیما.

۲. مقدمه توجیهی

متن پیش‌نویس

با گذشت چندین دوره مدیریت در سازمان صداوسیما و مشخص شدن نقاط قوت و ضعف در اداره هرچه بهتر رسانه ملی، ضرورت دارد جهت کارآمدتر نمودن و اختیار عمل در بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود و اعمال نظارت دقیق‌تر بازرنگری در اساسنامه صداوسیما صورت پذیرد تا در شرایط فعلی بتواند در مأموریت و مسئولیت محوله طبق قانون اساسی و منویات مقام معظم رهبری عمل نماید.

نظر کارشناسی

در مقدمه توجیهی پیش‌نویس حاضر، کارآمدتر نمودن و اختیار عمل در بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود و اعمال نظارت دقیق‌تر به‌عنوان دلایل ضروری بازرنگری در اساسنامه صداوسیما عنوان شده است. در مقام اشکال می‌توان گفت تمامی موارد فوق را می‌توان بدون بازرنگری در اساسنامه صداوسیما و با اختیارات مدیریتی به انجام رساند، آنچه بیش از همه تصویب قانون جدید در زمینه صداوسیما را ضروری می‌سازد تکلیف قانونی مندرج در ذیل اصل یکصد و هفتاد و پنجم است که پس از بازرنگری در قانون اساسی تاکنون اجرا نشده است. در مجموع پیشنهاد می‌شود متن زیر به‌عنوان مقدمه توجیهی جایگزین شود:

نظر به تغییرات بنیادین در ساختار سازمان صداوسیما براساس اصل

یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی اصلاحی در سال ۱۳۶۸ و با توجه به اینکه



تمامی قوانین مربوط به این سازمان قبل از سال ۱۳۶۸ به تصویب رسیده جهت کارآمدتر نمودن و اختیار عمل در بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود و اعمال نظارت دقیق‌تر، ضروری است بازنگری در اساسنامه قانون اداره و نحوه نظارت صداوسیما صورت پذیرد تا در شرایط فعلی بتواند مأموریت و مسئولیت محوله طبق قانون اساسی و منویات مقام معظم رهبری عمل نماید و قوانین متناسب با اصل مذکور به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد بر این اساس طرح ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۳. ماده (۱) و تبصره آن

در ماده (۱) به نحوه نصب و عزل رئیس سازمان اشاره شده ولی این مسئله در ماده (۹) در کنار موضوع «مدت خدمت و مرجع قبول استعفای رئیس سازمان» نیز تکرار شده است. پیشنهاد می‌شود این موضوعات در یک جا مطرح شده و از تکرار پرهیز گردد. از این رو پیشنهاد می‌شود در ماده (۱) عبارت «نصب، عزل و قبول استعفا و نیز تعیین مدت خدمت رئیس آن توسط مقام معظم رهبری انجام می‌گیرد» جایگزین عبارت «نصب و عزل رئیس آن با مقام معظم رهبری است» شود.

مؤسسات تابعه سازمان که در تبصره ماده (۱) مؤسسه دولتی به حساب آمده‌اند می‌بایست تعریف شوند. در این تعریف می‌توان از تعریف مندرج در تبصره «۱» ماده واحده قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی بهره برد.

در تبصره ماده (۱) عبارت «شرکت‌های زیرمجموعه سازمان با رعایت

سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی شرکت دولتی تلقی می‌شوند» واجد ابهام بوده و مشخص نیست که مقصود از «شرکت‌های زیرمجموعه» و نیز مقصود از «با رعایت سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی» چیست. این عبارت تعیین تکلیف در خصوص ماهیت دولتی و یا غیردولتی شرکت‌های وابسته به سازمان را با مشکل و ابهام مواجه می‌سازد، لذا پیشنهاد می‌گردد این قسمت بدین صورت اصلاح گردد «... شرکت‌هایی که مطابق سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی از طریق سرمایه‌گذاری سازمان ایجاد شود، مادام که بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به سازمان است، شرکت دولتی تلقی می‌شود».

۴. انحصارات سازمان موضوع ماده (۲)

به واسطه تغییر فضای ایران و جهان از حیث تولید و توزیع فرآورده‌های رسانه‌ای، فرهنگی و به‌طور خاص رادیو - تلویزیونی، سیاست انحصار رسانه‌ای در فضای کنونی ممکن نیست، زیرا عملاً دریافت امواج تلویزیونی که خارج از ایران پخش می‌شود در داخل میسر است و این واقعیت امکان انحصار را از بین برده است بنابراین در عمل فضای امواج رادیو - تلویزیونی ایران از انحصار صداوسیما خارج شده است و لحاظ کردن عنوان انحصار در قانون واقعیت را عوض نمی‌کند، علاوه بر این اقدام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای اعطای مجوز فعالیت برای شبکه‌های



ماهواره‌ای^۱ و سکوت صداوسیما در قبال این نوع تصمیمات و مجوزها که پیش از این با پیگیری و اعتراض فراوان همراه بود نشانه پذیرش این واقعیت از سوی مسئولین امر خصوصاً در صداوسیماست.

از طرف دیگر روند انحصارزدای گسترش اینترنت و ورود آن به فعالیت‌های خبری در قالب سایت‌ها و خبرگزاری‌های مجازی با ایجاد تغییر در تلقی قانونگذار درخصوص مفهوم مطبوعه و کار مطبوعاتی، نهایتاً در اصلاحیه ماده (۱) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۸۸/۹/۸ به توسعه مفهوم کار مطبوعاتی از نوشتار صرف به پخش صوت و تصویر نیز انجامید.^۲

این قانون که به تصویب شورای محترم نگهبان نیز رسیده است نشان می‌دهد که پخش برنامه‌های صوتی و تصویری در فضای مجازی مصداق پخش رادیو - تلویزیونی نیست و مفهوم پخش رادیو - تلویزیونی را باید در همان محدوده ارسال و دریافت از طرف فرستنده‌ها و گیرنده‌های موسوم به رادیو - تلویزیونی خلاصه کرد. بنابراین افزایش حوزه انحصارات سازمان مخابرات با قانون فوق‌الذکر است.

۱. محمدجواد آقاجری، مدیرکل مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفتگویی کوتاه با شبکه ایران اعلام کرد تعدادی از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان پس از طی مراحل قانونی، مجوز فعالیت از وزارت ارشاد دریافت کرده‌اند. آقاجری درباره مدت زمان مجوز این شبکه‌ها افزود: فعلاً یک مجوز موقت ۶ ماهه برای آنها صادر شده است و پس از پایان این مدت، درباره ادامه فعالیت آنها تصمیم‌گیری خواهد شد (روزنامه شرق شماره ۱۳۴۰ مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۰ صفحه ۱۵ - ادب و هنر).

۲. نشریه الکترونیکی، رسانه‌ای است که به‌طور مستمر در محیط رقمی (دیجیتال)، انواع خبر، تحلیل، مصاحبه و گزارش را در قالب نوشتار، صدا و تصویر منتشر می‌نماید.

خبرگزاری داخلی، مؤسسه‌ای خبری است که در زمینه جمع‌آوری، پردازش و انتشار خبر، تحلیل، مصاحبه و گزارش در قالب نوشتار، صدا و تصویر در محیط رقمی (دیجیتال) و یا غیر آن فعالیت می‌نماید.

هرچند در آینده نزدیک وقتی سرعت اینترنت در کشور افزایش یابد و کاربران بتوانند به آسانی برنامه‌های پخش شده از فرستنده‌های رادیو - تلویزیونی زمینی و ماهواره‌ای را از طریق خطوط اینترنتی و فیبر نوری دریافت کنند و بر روی مانیتور خود داشته باشند، مرزهای بین پخش رادیو - تلویزیونی و پخش اینترنتی که اینک کمرنگ شده است دیگر به کلی از بین خواهد رفت و انحصارزدایی کامل به‌وقوع خواهد پیوست. در هر حال با توجه به واقعیت موجود در تحول بنیادین مکانیسم‌های ارسال و دریافت پیام در جهان و ایران و نیز دیدگاه روشن قانونگذار در عدم تطبیق سیاست انحصار رادیو - تلویزیونی حداقل در فضای اینترنت و نیز در غیرقابل اعمال بودن سیاست انحصار در کنترل ورود امواج ماهواره‌ای به داخل کشور و همچنین اعطای مجوز فعالیت داخلی به ماهواره‌های خارج از کشور به‌نظر می‌رسد که: این تلقی از پخش رادیو - تلویزیونی که آن را مقوله‌ای مجزا از پخش صدا و تصویر اینترنتی می‌داند پیش از این با اصلاحیه قانون مطبوعات که در ماده اول آن به خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری و نشریات الکترونیک داخلی اجازه پخش صوت و تصویر را داده است، با تأیید شورای نگهبان لباس قانون به‌خود گرفته است. بنابراین قدر متیقن می‌توان موارد زیر را درخصوص انحصارات صداوسیما عنوان کرد:

۱. قلمرو انحصار بیش از این نشود.

۲. انحصارات بلاوجهی که طی سال‌های گذشته به‌دلیل فقدان قانون به‌وجود

آمده تا حد ممکن کاهش یابد.

۳. فضا برای تولید به‌منظور ایجاد محیط رقابتی سایرین گشوده شود.



با این حال در ماده (۲) آمده است «پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، تأسیس فرستنده و استفاده از امکانات ماهواره برای پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در انحصار سازمان است».

در این خصوص نکات زیر حائز اهمیت است شیوه نگارش به نحوی است که این شائبه را به ذهن می‌رساند «تأسیس فرستنده» در انحصار سازمان است چرا که «واو» عطف این عبارت و عبارت بعدی که استفاده از امکانات ماهواره را با قید «برای پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی» ذکر کرده قید را به تأسیس فرستنده بر نمی‌گرداند و این کار ذاتاً در وظایف و اختیارات صداوسیما نیست، زیرا تنوعی از فرستنده‌ها وجود دارد و آن چیزی که مد نظر طراحان باید باشد فرستنده رادیویی و تلویزیونی است.

ضمن اینکه «استفاده از ماهواره برای پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی» وقتی قابل انحصار است که منبع این امکانات انحصاری باشد درحالی که ماهواره‌ها کاربردهای چندگانه داشته و تاکنون کشور ما ماهواره‌ای ندارد که این انحصار قابل تحقق باشد و اگر ماهواره مربوط به کشور نباشد تحقق این انحصار عملی نیست.

از این رو پیشنهاد می‌شود متن ذیل جایگزین ماده (۲) شود:

پخش برنامه‌های رادیو - تلویزیونی، تأسیس فرستنده رادیو - تلویزیونی و استفاده از امکانات ماهواره‌ای برای پخش برنامه‌های رادیو - تلویزیونی از داخل ایران در انحصار سازمان است.

تبصره - پخش برنامه‌های صوتی و تصویری در فضای مجازی مصداق پخش برنامه‌های رادیو - تلویزیونی مندرج در این ماده محسوب نمی‌شود.

۵. مأموریت سازمان موضوع ماده (۴)

ماده (۴) - مأموریت سازمان عبارت است از هدایت فرهنگ و افکار عمومی براساس موازین اسلامی و مصالح کشور، کوشش در جهت وحدت جهان اسلام و مقابله با جنگ نرم از طریق شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و رسانه‌های مجازی و مکتوب با تولید و پخش برنامه‌های متنوع آموزشی و ارشادی خبری و اطلاع‌رسانی - سرگرمی و تفریحی در سطوح مختلف اعم از استانی، ملی، منطقه‌ای و جهانی با بهره‌گیری از ظرفیت هنر فاخر اسلامی و ایرانی و سمت‌دهی مؤثر و کارآمد آن.

نظر کارشناسی

- مأموریت اصلی «سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران» و فلسفه تشکیل سازمان مزبور، تصدی اداره «رادیو و تلویزیون» وفق اصل چهارم و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است و به دلیل اهمیت رسانه مزبور، آن سازمان در قالب تشکیلاتی مستقل از سایر دستگاه‌ها سازماندهی شده و عزل و نصب رئیس آن برعهده مقام معظم رهبری نهاده شده است.

واضح است که قانون اساسی با تفکیک «سازمان صداوسیما» از سایر مراجع و دستگاه‌های متولی و متصدی کشور، قصد تفکیک مسئولیت تصدی امور رادیو و تلویزیون از سایر امور کشور را داشته است و برگزیدن نام «صداوسیما» نیز که دلالت بر انحصار موضوعیت آن سازمان به «رادیو و تلویزیون» دارد به خوبی مبین



اراده قانونگذار در این خصوص است. بنابراین بی‌تردید اراده مقننین قانون اساسی جمهوری اسلامی آن بوده است که «سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی» فارغ از سایر وظایف، منحصراً به اداره «شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی» متمرکز باشد و مدیریتی نیز متناسب با چنین شأنی برای آن برگزیده‌اند.

این درحالی است که متأسفانه خلأ قوانین قبلی سازمان صداوسیما سبب شده امروز بخش کوچکی از ساختار عظیم صداوسیما به پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی اشتغال داشته و در عوض انواع و اقسام فعالیت‌های حاشیه‌ای از ساخت میز، صندلی، تأسیس و اداره دانشکده و مهد کودک و روزنامه و مجلات متعدد و انتشارات و چاپخانه و شرکت‌های مخابراتی و ارتباطی و توزیع و انتشار فیلم و... بخش عمده‌ای از دغدغه آن سازمان را به خود اختصاص داده است.

تصدیگری سازمان صداوسیما در حوزه‌های خارج از پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی علاوه بر آنکه مخالف صریح سیاست‌های اصل چهارم قانون اساسی است و سازمان را از انجام وظیفه اصلی دور می‌کند، تولی‌گری دستگاه‌های اجرایی ذیربط را نیز به چالش کشیده و اعمال حاکمیت و ساماندهی حوزه ورود آن سازمان را مختل می‌نماید. زیرا سازمان صداوسیما اغلب خود را ملزم به اخذ مجوز قانونی و رعایت ضوابط و مقررات فعالیت در آن حوزه ندانسته و بدتر از همه با جلب مشارکت اشخاص ثالث و فعالیت فراقانونی مشارکت ایجاد شده، عملاً مفری برای فرار از اعمال نظارت قانونی دستگاه ذیربط ایجاد می‌نماید، علاوه بر این کوشش در جهت وحدت جهان اسلام با مأموریت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و مجمع

جهانی اهل بیت (ع) تداخل دارد.

بنابراین پیشنهاد می‌شود ماده (۴) به نحو زیر اصلاح شود:

مأموریت سازمان عبارت است از هدایت فرهنگ و افکار عمومی براساس

موازن اسلامی و مصالح کشور از طریق شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی.

۶. خطمشی و ارزش‌های حاکم بر برنامه‌های سازمان موضوع ماده (۵)

برخی از بندهای ماده (۵) مربوط به خطمشی و ارزش‌های حاکم بر برنامه‌های سازمان، نظیر بند «۱۱» (تولید و کسب اخبار و اطلاعات صحیح، دقیق و بهنگام از منابع معتبر و مستقل خبری) بند «۲۱» (اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی برای افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی در جهت رسیدن به خودکفایی) و بند «۲۲» (اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی در جهت توسعه دولت الکترونیک، چاپک‌سازی ساختارها و نظام اداری کشور) را می‌توان واجد جنبه‌های عملیاتی تلقی کرد و به عبارتی در زمره وظایف سازمان قرار دارد که لازم است در ماده (۷) ذکر شود و نه در ماده (۵).

بند «۲۴» ماده (۵) به نظر می‌رسد خارج از حیطه وظایف و اختیارات سازمان

باشد...

در بند «۲۸» عبارت «استحکام بنیادین» واجد ابهام بوده و می‌بایست با عبارت

روشن‌تری جایگزین گردد.

در بند «۲۹» در بحث موسیقی حتماً باید قیود اسلامی ذکر گردد. الان خیلی کلی

و مبهم گفته شده است.



در بند «۳۰» واژه «تکرار» می‌بایست حذف گردد. خیلی از برنامه‌های صداوسیما تکرار است و این در کل ایرادی ندارد... عبارت بند «۲۷» ماده (۵) ناقص است و لازم است واژه «برنامه» بعد از واژه «ارائه» افزوده شود.

۷. تشکیلات صداوسیما

در پیش‌نویس مرکز پژوهش‌ها با الهام از پیشینه قوانین صداوسیما از جمله اساسنامه سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲/۷/۲۷ که فصل چهارم آن با عنوان تشکیلات در قالب مواد (۲۱) و (۲۲) به تشریح معاونت‌های سازمان پرداخته بود، یک فصل مجزا به صورت مراعی برای تشکیلات پیش‌بینی شد. به این ترتیب این فرصت به وجود آمد تا سازمان صداوسیما در این فصل ملاحظات خاص اجرایی و اداری خود را پیش‌بینی نماید. با وجود این طراحی، در پیش‌نویس حاضر فصل تشکیلات حذف شده است این امر با توجه به اهمیت مقوله رقابتی شدن شبکه‌های رادیو - تلویزیونی و پاسخگو بودن^۱ هریک از شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی حائز اهمیت فراوان است.

نکته‌ای که به عنوان اهمیت بحث تشکیلات صداوسیما باید یادآور شد آن است که آنچه مردم انتخاب می‌کنند و به تماشای آن می‌نشینند کانال‌های رادیویی و تلویزیونی است. بنابراین به اعتقاد صاحب‌نظران امر باید استقلال حداکثری برای

شبکه‌ها قائل بود البته اینکه هر شبکه دارای چه هویتی باشد موضوعی است که باید در لایه تصمیم‌گیر در مورد آن چانه‌زنی صورت گیرد، اما پس از اینکه هویت هر شبکه به تصویب رسید این مدیریت شبکه‌ها خواهد بود که کار تولید و تأمین و حتی کنداکتور پخش را انجام خواهد داد و در قبال آن پاسخگو خواهد بود.^۱ در این خصوص پیشنهاد می‌شود برای هر شبکه مدیر مسئولی مشابه آنچه در مورد مطبوعات وجود دارد پیش‌بینی شود و به‌طور جدا از رئیس سازمان پاسخگوی شورای نظارت باشد.

در پیش‌نویس حاضر مطابق بند «۱» ماده (۹) تهیه ساختار و الگوی نیروی انسانی و انحلال و ادغام واحدهای سازمانی، شرح وظایف و اختیارات آنها و همچنین تهیه طرح‌ها و برنامه‌های مربوط به جذب و نگهداری سرمایه انسانی، نظام‌ها و فرآیندها و پیشنهاد به شورای نظارت بر صداوسیما جهت تصویب از وظایف و اختیارات رئیس سازمان دانسته شده و مطابق بند «۱۰» ماده (۱۲) پیش‌نویس حاضر تصویب و یا انحلال تشکیلات اداری به پیشنهاد رئیس سازمان جزء وظایف شورای نظارت بر شمرده شده است. البته از آنجا که در ماده (۱) تصریح شده چنان‌که تشکیلات خاصی پیش‌بینی نشود تابع قوانین و مقررات حاکم بر مؤسسات دولتی است، لذا به‌ترتیب مندرج در ردیف (۱) بند «ج» ماده (۲۹) قانون مدیریت خدمات کشوری سطوح عمودی مدیریتی با احتساب بالاترین مقام اجرایی در هر واحد سازمانی حداکثر (۴) سطح و براساس بند «د» همان ماده رئیس سازمان حداکثر سه

۱. گفتگو با آقای دکتر حسام‌الدین آشنا درخصوص تشکیلات صداوسیما، ۱۳۹۰/۷/۱۱.



معاون یا عناوین مشابه در ساختار تشکیلاتی خود می‌تواند پیش‌بینی نمایند و متناسب با حجم کار و تنوع وظایف و تعداد پست‌های سازمانی هر معاون می‌تواند حداکثر پنج مدیر کل یا مدیر یا رئیس یا عناوین مشابه داشته باشد.^۱

۱. ماده (۲۹) - دستگاه‌های اجرایی مکلفند سازماندهی، طراحی و تنظیم تشکیلات خود را متناسب با ویژگی‌های مربوط در چارچوب الگوه‌ا، ضوابط و شاخص‌هایی که سازمان تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد با رعایت موارد ذیل انجام دهند:

الف) سقف پست‌های سازمانی با رعایت راهبردهای مذکور در فصل دوم این قانون و با پیشنهاد دستگاه و تأیید سازمان به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ب) تشکیلات و سقف پست‌های سازمانی مصوب حداقل پس از یک برنامه و حداکثر پس از دو برنامه پنج‌ساله متناسب با سیاست‌ها و احکام برنامه جدید مورد بازنگری و تصویب مجدد قرار خواهد گرفت.

ج) به‌منظور کوتاه نمودن مراحل انجام کار و سلسله‌مراتب اداری، سطوح عمودی مدیریتی در دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی با احتساب بالاترین مقام اجرایی در هر واحد سازمانی، به قرار ذیل تعیین می‌گردد:

- وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی: حداکثر در ۴ سطح.

- واحدهای استانی: حداکثر (۳) سطح.

- واحدهای شهرستانی، مناطق و نواحی هم‌تراز: حداکثر (۲) سطح.

- سایر واحدهای تقسیمات کشوری: یک سطح.

د) هرکدام از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مستقل که تحت نظر معاون رئیس‌جمهور اداره می‌شوند، می‌توانند حداکثر ۵ معاون و سایر مؤسسات دولتی حداکثر ۳ معاون یا عناوین مشابه در ساختار تشکیلاتی خود پیش‌بینی نمایند و متناسب با حجم کار و تنوع وظایف و تعداد پست‌های سازمانی هر معاون می‌تواند حداکثر پنج مدیرکل یا مدیر یا رئیس یا عناوین مشابه داشته باشد.

پست‌های مدیریتی مورد نیاز حوزه وزیر یا رئیس مؤسسات دولتی از سرجمع پست‌های مدیریتی مذکور در این بند تأمین خواهد شد.

ه) تعداد پست‌های مشاور برای مقامات اجرایی مذکور در بندهای «الف»، «ب» و «ج» ماده (۷۱) حداکثر

(۱۰) و برای سایر مقامات اجرایی مذکور در این ماده حداکثر (۴) و برای رؤسای مؤسسات دولتی با گستره کشوری حداکثر (۳) پست در سقف پست‌های مصوب تعیین می‌گردد.

در مجموع پیشنهاد مشخص آن است که در یک ماده مشخص صداوسیما مکلف به تنظیم تشکیلات براساس قانون مدیریت خدمات کشوری شود پیشنهاد مرکز در این خصوص در بخش نظارت با عنوان ماده الحاقی آمده است.

۸. کسب مجوز از سازمان موضوع ماده (۶)

ماده (۶) - انجام هرگونه فعالیت رادیویی و تلویزیونی که قابلیت انتشار فراگیر در داخل و خارج از کشور را به صورت واقعی و مجازی داشته باشد و در انحصار سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و هرگونه فعالیت اشخاص حقیقی و حقوقی در امور زیر منوط به کسب مجوز از این سازمان می‌باشد:

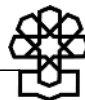
۱. تأسیس فرستنده به منظور انجام فعالیت‌های رسانه‌ای در امر پخش صوت و تصویر،
۲. ایجاد شبکه‌های ارتباطی با سیم و بی‌سیم مانند ماهواره، پخش کابلی،

ی) واحدهای سازمانی وزارتخانه‌ها و سایر دستگاه‌های اجرایی در مراکز استان‌ها (به استثنای استانداری‌ها) با رعایت ماده (۲۹) این قانون حداکثر در سطح اداره کل سازماندهی می‌شوند و سازمان‌های موجود در این سطح تغییر می‌یابند.

ط) در صورتی که دستگاه‌های اجرایی مطابق شرح وظایف قانونی و تشکیلات مصوب خود الزاماً موظف به ارائه خدماتی در شهرستان‌های کمتر از هفتاد هزار نفر جمعیت و بخش‌های کمتر از سی هزار نفر جمعیت باشند در صورتی که در تاریخ تصویب این قانون ساختمان‌های واحدهای اداری ذیربط احداث نشده باشند موظفند کارمندان ذیربط خود را در مجتمع اداری مراکز شهرستان و بخش که به عنوان نمایندگی تحت نظر فرماندار و بخشدار ایجاد می‌گردد مستقر نموده و از ایجاد واحدهای مستقل خودداری نمایند.

افزایش جمعیت این‌گونه شهرها موجب لغو این حکم برای واحدهای ذیربط نمی‌گردد. هزینه‌های پشتیبانی و خدماتی این مجتمع‌ها در بودجه وزارت کشور (استانداری‌ها) پیش‌بینی می‌گردد. در سایر شهرها با تشخیص هیئت وزیران اجرای این بند امکانپذیر می‌باشد.

این‌نامه اجرایی این بند با پیشنهاد سازمان به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.



شبکه‌های محلی و ناحیه‌ای برای فعالیت‌های رسانه‌ای در امر پخش صوت و تصویر،
۳. استفاده از فضای فرکانس کشور برای پخش فراگیر صوت و تصویر،
۴. ایجاد هرگونه شبکه ارتباطی تحت پروتکل‌های مختلف (جاری و آتی) اینترنت جهانی و اینترنت ملی و محلی

نظر کارشناسی

این ماده از حیث شکلی و ماهوی با طرح اداره سازمان مرتبط نیست و به نظر می‌رسد با وجود ماده (۷) که وظایف سازمان را برشمرده لزومی به این ماده نباشد.

- در صدر ماده ذکر شده «انجام هرگونه فعالیت رادیویی و تلویزیونی که قابلیت انتشار فراگیر در داخل و خارج از کشور را به صورت واقعی و مجازی داشته باشد» عبارت «فعالیت»، «انتشار فراگیر» و «به صورت واقعی و مجازی» دامنه انحصار را از آنچه امروز هست بیشتر می‌کند فعالیت رادیویی و تلویزیونی اگر انحصاری باشد هر کاری اعم از تصویربرداری، ساخت دکور، ساخت ابزار و تجهیزات، فیلمنامه‌نویسی و... را انحصاری تداعی می‌کند. قابلیت انتشار فراگیر به صورت واقعی و مجازی همان ویژگی‌های اینترنت است که انحصار آن در سازمان با ماهیت آن در تعارض و با قوانین دیگر نیز مغایر و متداخل است، زیرا ماهیت اطلاعات در بستر اینترنت به سمت چندرسانه‌ای می‌رود و اگر همین صدر ماده را در نظر بگیریم - فارغ از بندهای بعدی که به کسب مجوز از صداوسیما می‌پردازد - هر وبگاهی که بخواهد کارکرد چندرسانه‌ای داشته باشد باید ذیل انحصار بوده یا به موجب این قانون از فعالیت آن ممانعت به عمل آید.

- در بند «۱» این ماده آمده «تأسیس فرستنده به منظور انجام فعالیت‌های رسانه‌ای در امر پخش صوت و تصویر» اولاً فرستنده همان‌طور که ذکر شد می‌تواند چندمنظوره باشد به خصوص فرستنده‌های مخابراتی که اتفاقاً قابلیت انتقال صوت و تصویر را دارند و در ضمن براساس بندهای «د» و «ه» ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات «اعمال حاکمیت بر طیف فرکانس و حفاظت از حقوق رادیویی کشور در سطح منطقه و بین‌الملل و تنظیم، مدیریت و کنترل فضای فرکانسی از جمله ارائه خدمات در بخش‌های ارتباطات رادیویی، انتقال صدا و تصویر و ارتباطات رایانه‌ای» برعهده این وزارتخانه است.

- در همین بند انجام فعالیت‌های رسانه در امر پخش صوت و تصویر هم ذکر شده است که به نظر می‌رسد مفهوم «رسانه» و «صوت و تصویر» بسیار عام‌تر و فراگیرتر از «رادیویی و تلویزیونی» است که مورد حمایت اصل چهل و چهارم قانون اساسی است و به موجب آن باید مالکیت و مدیریت آن در اختیار دولت (حاکمیت) باشد. به نظر می‌رسد هدف از این بند موضوع IPTV باشد که به نوعی ورود به بحث محتوای چندرسانه‌ای است، بنابراین بند «و» ماده ارائه خدمات IPTV که دامنه محتوای آن اعم از برنامه‌های تلویزیونی، رسانه‌های دیجیتال، موسیقی فیلم‌های سینمایی است در انحصار این سازمان و منوط به کسب مجوز از آن خواهد شد. درحالی که بسیاری از محتواهای کالاهای فرهنگی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعمال حاکمیت و سیاستگذاری می‌شوند.

- در بند «۲» «ایجاد شبکه‌های ارتباطی با سیم و بی‌سیم مانند ماهواره، پخش



کابلی، شبکه‌های ملی و ناحیه‌ای برای فعالیت‌های رسانه‌ای در امر پخش صوت و تصویر» ذکر شده است که دقیقاً جزء وظایف ذاتی و قانونی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات است و براساس بند «الف» ماده (۴۶) قانون برنامه پنجم این شبکه‌ها که جزئی از شبکه ملی اطلاعات هستند به‌عهده این وزارتخانه نهاده شده است. در حقیقت هر رسانه‌ای اعم از صداوسیما و اپراتور این شبکه‌ها هستند و بر همین مبنا اعمال حاکمیت بر این شبکه‌ها براساس قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و در چارچوب سیاست‌های کلی نظام برعهده این وزارتخانه نهاده شده است. بنابراین بند مذکور مغایر قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و سیاست‌های کلی نظام است.

- نکته دیگر این است که روند خصوصی‌سازی این بخش از برنامه سوم توسعه آغاز شده و درحال حاضر بسیاری از فعالیت‌هایی که در این بند به آنها اشاره شده توسط بخش خصوصی با مجوزهایی که این وزارتخانه توسط کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات رادیویی و سازمان تنظیم مقررات صادر می‌کند مبادرت به فعالیت می‌کنند. بنابراین کسب مجوز مجدد از صداوسیما در این خصوص بلاوجه می‌باشد.

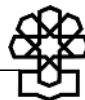
- بند «۳» این ماده «استفاده از فضای فرکانس کشور برای پخش فراگیر صوت و تصویر» را منوط به کسب مجوز از سازمان دانسته این درحالی است که مدیریت طیف فرکانس براساس بند «د» ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات برعهده این وزارتخانه است و براساس بند «و» نظارت بر فعالیت‌های بخش غیردولتی و براساس بند «ز» صدور مجوز تأسیس و بهره‌برداری نیز برعهده این وزارتخانه

نهاده شده است. حال این بند و بند بعدی آن (بند «ع» ماده (۶)) دقیقاً بر همین وظایف اشاره دارد. اگرچه سازمان صداوسیما و فعالیت‌های نظامی از قانون نامبرده مستثنا شده است ولی این استثنا نافی مدیریت یکپارچه بر منابع طیف فرکانس و شبکه‌های زیرساخت کل کشور - مورد تأکید سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی است - نبوده و این دو بند دقیقاً برعکس روند سیاست‌گذاری کشور عمل می‌کند یعنی صدور مجوزهای تأسیس و بهره‌برداری از شبکه‌ها را به صداوسیما واگذار می‌کند.

- در بند «ع» این ماده نیز «ایجاد هرگونه شبکه ارتباطی تحت پروتکل‌های مختلف (جاری و آتی) اینترنت جهانی و اینترنت ملی و محلی» منوط به کسب مجوز از سازمان صداوسیما دانسته یعنی در عمل برخلاف بند «الف» ماده (۶۶) برنامه پنجم توسعه و قوانین موضوعه وزارت ارتباطات نظیر قانون صیانت از فیبر نوری، قانون وظایف و اختیارات و سایر مقررات کشوری مدیریت بر این حوزه تخصصی را از دولت به سازمان صداوسیما منتقل می‌کند. در مجموع پیشنهاد مشخص حذف کل ماده (۶) است.

۹. وظایف سازمان موضوع ماده (۷)

- در بند «۳» این ماده آمده است «فراهم کردن بسترها و زیرساخت‌های لازم برای توسعه پوشش جمعیتی و جغرافیایی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به‌صورت ایمن، پایدار و مستمر طبق آخرین استانداردهای فنی و با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین رسانه‌ای، اینترنت، ماهواره و شبکه‌های کابلی»



در این بند فراهم کردن بستر و زیرساخت با دامنه جهانی و بهره‌گیری از هر نوع فناوری جزء وظایف این سازمان برشمرده شده است درحالی که سازمان باید استفاده‌کننده از زیرساخت‌های ملی کشور باشد نه اینکه خود ایجادکننده زیرساخت ارتباطی باشد.

- در بند «۴» با اینکه در انتها قید «در محدوده برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی» آمده، لکن این قید به تسهیل دسترسی عمومی مردم برمی‌گردد ضمن اینکه ایجاد و توسعه رسانه‌های نوین از قبیل درگاه و... به‌عنوان وظیفه سازمان آمده است بهتر است این بند به‌صورت زیر اصلاح شود.

«به‌کارگیری رسانه‌های نوین از قبیل درگاه رسانه‌های الکترونیکی و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و سایر عناوین مرتبط در محدوده برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی»

- مطابق بند «۷» ماده (۷) سازمان موظف است درخصوص فعالیت‌های برون‌مرزی سازمان ازجمله مخاطبان فارسی زبان خارج از کشور اعم از ایرانیان و غیرایرانیان و سایر علاقمندان به زبان فارسی و مسائل ایران و نیز فعالیت‌های برون‌مرزی سازمان درخصوص سایر کشورها برای غیرایرانیان و غیرفارسی‌زبانان ساکن آن کشورها ... اولاً در انتهای بند «۷» ماده (۷) فعالیت‌های برون‌مرزی سازمان برای مخاطبین برون‌مرزی آمده است بهتر است قید «برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی» نکر شود. ثانیاً این بند فاقد حکم مشخصی است.

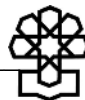
مسئله فعالیت‌های برون‌مرزی صداوسیما هم به‌لحاظ تشکیلاتی و مدیریتی و هم

به‌لحاظ محتوایی حائز اهمیت فراوان است. اداره کل امور بین‌الملل، معاونت برون‌مرزی شامل شبکه‌های العالم، پرستی‌وی، جام‌جم ۱، ۲، ۳ و شبکه‌های رادیویی به بیش از ۳۰ زبان زنده دنیا و دفاتر خارج از کشور از یکسو و ازسوی دیگر لزوم انسجام و هماهنگی سازمان با سایر سازمان‌ها و نهادهای جمهوری اسلامی در خارج کشور مانند وزارت خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مجمع تقریب مذاهب، سازمان تبلیغات اسلامی که هرکدام سهمی از ارتباطات بین‌المللی را برعهده دارند و نیز ایجاد و تقویت بلوک‌های رسانه‌ای با کشورهای اسلامی، اتحادیه رادیو - تلویزیون‌های آسیا و اقیانوسیه و کشورهای عضو اگو و کشورهای عضو جنبش عدم تعهد همه و توجه جدی به امر تصمیم‌گیری محتوایی و تشکیلاتی به موضوع فعالیت‌های برون‌مرزی صداوسیما را ضروری می‌سازد که در این پیش‌نویس حکم خاصی درج نشده است.

۱۰. اختیارات سازمان موضوع ماده (۸)

ماده (۸) به بیان «اختیارات» سازمان پرداخته است. درحالی که به‌نظر می‌رسد اکثر این موارد جزء «وظایف» سازمان باشد به نحوی که بدون انجام این موارد مأموریت سازمان محقق نخواهد شد، لذا پیشنهاد می‌شود مواد (۷) و (۸) با یکدیگر ادغام شده و مفاد هر دو ماده تحت عنوان «وظایف و اختیارات سازمان» ذکر گردد.

- در بند «۲» ماده (۸) «تربیت و تأمین نیروی انسانی کارآمد در رشته‌های مختلف مورد نیاز سازمان به‌ویژه در امور تولیدی، هنری و تخصص‌های فنی مورد



نیاز از طریق دانشکده‌های صداوسیما و نیز جذب فارغ‌التحصیلان سایر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی» به‌عنوان اختیار سازمان ذکر شده است این به مفهوم ایجاد رشته‌های دانشگاهی به‌صورت عام براساس هر نوع نیازمندی سازمان است یعنی حتی پزشکی، فنی و مهندسی، مدیریت، اقتصاد و... چرا که قید «مورد نیاز سازمان» دارد اگرچه پس از این عبارت «به‌ویژه در امور تولیدی...» آمده ولی از اختیارات داده شده نمی‌کاهد این درحالی است که در ماده (۱۲) قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲/۷/۲۷ رشته‌های هنری و تخصص‌های فنی آمده بود.^۱ از این رو پیشنهاد می‌شود این بند از ماده (۲) به‌صورت زیر اصلاح شود.

«تربیت و تأمین نیروی انسانی کارآمد در رشته‌های مرتبط با فعالیت‌های تخصصی رادیویی و تلویزیونی سازمان به‌ویژه در امور تولیدی، هنری از طریق دانشکده‌های صداوسیما و...».

- در بند «۳» ماده (۸) مشارکت و سرمایه‌گذاری در تولید، تأمین و توزیع برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی ذکر شده این درحالی است که توزیع امری عام بوده و نمی‌توان اختیار آن را به سازمان واگذار و آنچه در اختیار سازمان است پخش انحصاری است نه توزیع محصولات که در وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است جالب اینکه در این بند دامنه برنامه‌ها به چندرسانه‌ای و فضای مجازی گسترش

۱. به‌منظور تأمین نیروی انسانی مورد نیاز در رشته‌های هنری و تخصص‌های فنی، سازمان موظف است به تکمیل و گسترش دانشکده صداوسیما جمهوری اسلامی در حد نیاز بپردازد.

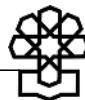
داده شده که به‌نظر می‌رسد جزء وظایف صداوسیما نیست و در زمره فعالیت‌های تصدیگری است درحالی که انتظار قانون اساسی وظایف حاکمیتی بوده است. ضمن اینکه فعالیت‌های فرهنگی جزء استثنائات قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی است. بنابراین پیشنهاد مشخص حذف عبارت مذکور است.

- در بند «۵» شناسایی نخبگان در کنار هنرمندان آمده است که براساس مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی جزء وظایف بنیاد نخبگان است. بنابراین پیشنهاد مشخص حذف بند مذکور است.

- در بند «۶» با توجه به اینکه از اصطلاح «چندرسانه‌ای» استفاده شده و این موضوع از جمله وظایف تصدیگری است که توسط بخش خصوصی انجام می‌گیرد و نباید جزء اختیارات سازمان که ماهیتی حاکمیتی دارد قرار گیرد. بنابراین پیشنهاد مشخص حذف عبارت مذکور است.

- بند «۷» تأسیس شرکت‌های سینمایی، سالن نمایش و نیز ایجاد نمایشگاه به‌عنوان اختیارات آمده که به‌نظر می‌رسد جزء وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. بنابراین پیشنهاد مشخص حذف عبارت مذکور است.

- در بند «۸» عضویت در مجامع بین‌المللی، برقراری و گسترش روابط با شرکت‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با رعایت اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی آمده است که پیشنهاد مشخص آن است که باید دو قید بدان افزوده شود اول اینکه برای رعایت اصل هفتاد و هفتم لازم است با هماهنگی وزارت امور خارجه باشد تا سازمان بتواند لوائح لازم را تهیه و توسط هیئت



وزیران به مجلس ارسال نمایند.

قید دوم افزودن عبارت «رادیویی و تلویزیونی» پس از اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌الملل است تا این اختیار مقید به حوزه وظایف سازمان باشد چرا که برای مثال عضویت در ITU (اتحادیه بین‌الملل مخابرات) در حال حاضر توسط وزارت ارتباطات انجام گرفته و به صلاح نیست نقطه تماس کشور در این اتحادیه‌ها دوگانه شود.

- در بند «۹» مشارکت در بررسی و تصویب استانداردهای تخصصی در زمینه‌های تولید، توزیع و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، چنדרسانه‌ای و فضای مجازی ذکر شده است این وظایف در حیطه وظایف شواری عالی استاندارد و سازمان ملی استاندارد است، لذا پیشنهاد مشخص حذف عبارت‌های توزیع، چنדרسانه و فضای مجازی و تصویب استاندارد از بند مذکور است.

- در بند «۱۰» اختیار واگذاری امکانات و بسترهای ارتباطی، مخابراتی و... و ارائه خدمات رسانه‌ای ذکر شده است که این واگذاری در تعارض با وظایف وزارت ارتباطات بوده و خدمات رسانه‌ای نیز باید به رادیویی و تلویزیونی منحصر شود بنابراین پیشنهاد مشخص آن است که یا واژه «واگذاری» حذف شود یا به بهره‌برداری تبدیل شود.

۱۱. وظایف و اختیارات رئیس سازمان موضوع ماده (۹)

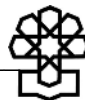
در ماده (۹) تحت عنوان «وظایف و اختیارات رئیس سازمان»، مدت خدمت، نحوه نصب و عزل و قبول استعفاى رئیس سازمان ذکر شده است که همانگونه که پیشتر ذکر شد با

این ماده همخوانی ندارد و پیشنهاد می‌شود این موارد در ماده (۱) ذکر گردد.

پیشنهاد می‌شود متن بند «۱» ماده (۹) بدین صورت اصلاح گردد: «تهیه و پیشنهاد ساختار و الگوی نیروی انسانی و انحلال و ادغام واحدهای سازمانی، شرح وظایف و اختیارات آنها، طرح‌ها و برنامه‌های مربوط به جذب و نگهداری سرمایه انسانی، نظام‌ها و فرآیندها جهت تصویب به شورای نظارت».

بند «۳» ماده (۹) تهیه و پیشنهاد بودجه سالیانه سازمان را برعهده رئیس سازمان نهاده است که به نظر می‌رسد مخاطب پیشنهاد، دولت می‌باشد. بدون شک یکی از ابزارهای نظارتی مؤثری که شورای نظارت می‌تواند در اختیار داشته باشد بودجه سازمان می‌باشد که در این خصوص اگر رئیس سازمان ابتدائاً مکلف به پیشنهاد و ارائه بودجه تفصیلی به شورای مذکور باشد نظر قانونگذار اساسی در خصوص لزوم نظارت بر سازمان توسط نمایندگان قوای سه‌گانه به نحو بهتری تأمین می‌گردد. لذا پیشنهاد می‌شود این بند به صورت زیر اصلاح شود: «تهیه و پیشنهاد بودجه سالیانه سازمان به شورای نظارت و سپس تقدیم آن به دولت جهت درج در لایحه بودجه».

در بند «۴» ماده (۹) به «تهیه آیین‌نامه‌های تشکیلاتی و مقررات مالی، اداری، استخدامی، معاملاتی و تخلفاتی مورد نیاز سازمان، شرکت‌ها و مؤسسات وابسته و پیشنهاد به شورای نظارت جهت تصویب» اشاره شده است. درحالی که ضرورتی ندارد که سازمان در این موارد مطابق قوانین موجود عمل ننماید. در صورتی که ضرورتی به این امر وجود دارد، لازم است در همین قانون احکام مربوط به مقررات



مذکور به تفصیل ذکر شود.

پیشنهاد می‌شود متن بند «۷» ماده (۹) به صورت زیر اصلاح گردد «تهیه و پیشنهاد منشور اخلاقی کارکنان رسمی، غیررسمی و یا کسانی که به هر طریق با سازمان همکاری دارند جهت تصویب به شورای نظارت».

۱۲. نظارت

ماده (۱۲) - شورای نظارت وظایف زیر را به عهده دارد:

...

۴. تعیین ضوابط نظارتی حاکم بر فعالیت‌های سازمان در چارچوب این قانون،
۵. تصویب ایجاد یا انحلال هر بخش، واحد، شعبه، دفتر و نمایندگی در سازمان به پیشنهاد رئیس سازمان،
۶. تصویب ایجاد یا انحلال شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی داخلی و برون‌مرزی به پیشنهاد رئیس سازمان،
۷. تصویب انعقاد قراردادها و معاملات داخلی و خارجی سازمان به پیشنهاد رئیس سازمان،
۸. تهیه و ارائه گزارش منظم و مستمر از جریان امور در سازمان به مقام معظم رهبری و قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران،
۹. تصویب طرح‌های طبقه الف ویژه در رادیو و تلویزیون پس از رسیدگی در شورای طرح و برنامه سازمان،
۱۰. تصویب و یا انحلال تشکیلات اداری به پیشنهاد رئیس سازمان،

۱۱. اخذ اطلاعات لازم از عملکرد برنامه سالیانه تولید و پخش شبکه‌های داخلی و برون مرزی،

۱۲. اخذ اطلاعات مربوط به نحوه هزینه بودجه مصوب سازمان و انعقاد موافقتنامه‌های مربوطه،

تبصره «۲» - کلیه مصوبات شورا با دوسوم آرا به تصویب می‌رسد.

...

ماده (۱۷) - برای انجام وظایف مربوط به ماده واحده مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام شورای نظارت می‌تواند مستقیماً برای دریافت و پاسخ شکایات و اطلاعات از سازمان اقدام کند و یا با اعزام بازرس موضوع شکایت را رسیدگی کند.

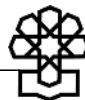
ماده (۲۱) - شورای نظارت می‌تواند در حوزه اختیارات قانونی خود از رئیس سازمان سؤال نماید و در صورت قانع نشدن دوسوم اعضا گزارش لازم را به دفتر مقام معظم رهبری ارسال می‌کند تا با سازوکار رسیدگی و اجرای آن به تشخیص مقام معظم رهبری تعیین کند ارسال می‌شود.

نظر کارشناسی

مواد (۱۰) تا (۲۴) به موضوع «شورای نظارت» اختصاص یافته، ولی این مواد بدون اینکه در ذیل یک فصل جداگانه بیاید، در فصل «وظایف و اختیارات» سازمان آمده است. به دلیل لزوم ارتباط مواد با عنوان فصل، پیشنهاد می‌شود مواد مذکور ذیل فصلی جداگانه و با عنوان «شورای نظارت» قرار گیرد.

- لازم است در ماده (۱۱) واژه «و» قبل از عبارت «سازوکار نظارتی» اضافه

شود.



- در ماده (۱۱) به «تعیین رویه‌های نظارتی» توسط شورای نظارت اشاره شده که تفاوت آن با بند «۴» ماده (۱۲) مشخص نیست. به نظر می‌رسد که معنای هر دو مورد مذکور یکسان است و لذا پیشنهاد می‌شود عبارت مذکور از ماده (۱۱) حذف شود.

- در بند «۵» ماده (۱۲) به اصطلاحاتی از قبیل «بخش»، «واحد» و «شعبه» اشاره شده ولی معنای آن مشخص نشده است.

- در بند «۷» ماده (۱۲) «تصویب انعقاد قراردادها و معاملات داخلی و خارجی سازمان» به شورای نظارت سپرده شده که ظاهراً تمامی قراردادها و معاملات سازمان را شامل می‌شود. چنین عمومیتی اخلاص در امور اجرایی سازمان را موجب شده و از این جهت بند مذکور نیازمند تحدید است. از این رو پیشنهاد می‌شود عبارت زیر جایگزین متن این بند شود: «تصویب انعقاد قراردادها و معاملات بزرگ (موضوع بند «۳» ماده (۳) قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳/۰۱/۲۵) داخلی و خارجی سازمان به پیشنهاد رئیس سازمان».

- در بند «۹» ماده (۱۲) به «طرح‌های طبقه الف ویژه» اشاره شده ولی به معنای این اصطلاح اشاره نشده است.

- بند «۱۰» ماده (۱۲) مبنی بر «تصویب و یا انحلال تشکیلات اداری سازمان» به نحوی تکرار بند «۵» این ماده است و لذا پیشنهاد می‌شود که این بند حذف گردد.

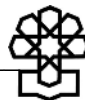
- در تبصره «۱» ماده (۱۲) برای برخی از وظایف شورای نظارت، مهلتی ده روزه مقرر شده ولی به نظر می‌رسد که برخی دیگر از وظایف شورای نظارت نیز باید

مشمول این تبصره قرار گیرد. بندهای «۹» و «۱۰» این ماده و نیز بندهای «۱»، «۳» و «۷» ماده (۹) این‌گونه هستند. البته همان‌گونه که گفته شد، پیشنهاد می‌شود که بندهای «۹» و «۱۰» ماده (۱۲) حذف شوند.

- در ماده (۱۷) به «ماده واحده مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام» اشاره شده ولی دقیقاً مشخص نشده که منظور از این ماده واحده چیست. به هر حال به نظر می‌رسد که منظور «قانون الحاق یک ماده و دو تبصره به قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (مصوب سال ۱۳۶۲)» مصوب سال ۱۳۸۸ بوده است. در این صورت با توجه به اینکه ماده (۲۴) همین طرح، مفاد آن قانون را دربردارد و در نتیجه می‌توان قائل به نسخ قانون در صورت تصویب این قانون بود، لازم است ماده (۱۷) حذف شود.

- در ماده (۲۰) اشخاص متعددی نام برده شده و ملزم به ارائه اسناد و مدارک مورد تقاضای شورای نظارت به این شورا شده‌اند. از آنجا که مسئولیت اداره سازمان با رئیس سازمان است و براساس اصل سلسله‌مراتب اداری، لازم است این تکلیف برعهده رئیس سازمان باشد و البته او دستور همکاری با شورا را برای زيردستان خود صادر نماید. از این‌رو پیشنهاد می‌شود متن زیر جایگزین متن این ماده شود: «رئیس سازمان موظف است اطلاعات، اسناد و مدارک مورد درخواست شورای نظارت را در اختیار آن شورا قرار دهد».

- درخصوص ماده (۲۱): اگرچه اصل ارسال گزارش‌های شورای نظارت به دفتر مقام معظم رهبری که در صدر این ماده بدان تصریح شده از جهت مطابقت با قانون



اساسی بلاشکال است، اما ادامه این ماده که با بیان عبارت «تا با سازوکار رسیدگی و اجرای آن به تشخیص مقام معظم رهبری» رهبری را در معرض نوعی تکلیف تلویحی تعیین شده از سوی مجلس قرار خواهد داد، مغایر اصول متعدد قانون اساسی و مصداق تعیین تکلیف نهاد مادون برای مقام مافوق است. بدیهی است که گنجاندن عبارت «به تشخیص مقام معظم رهبری» مشکل مذکور را برطرف نمی‌کند، زیرا این عبارت تشخیص رهبری و اختیار عمل ایشان را نه درخصوص اصل رسیدگی به گزارش‌های شورای نظارت بلکه ناظر به نحوه رسیدگی دانسته است. بنابراین ماده (۲۱) علیرغم تصریح به تشخیص و صلاح‌دید رهبری برای نحوه رسیدگی به شکایات‌های شورای نظارت به علت مکلف کردن رهبری به اصل رسیدگی به شکایات‌ها مغایرت صریح با قانون اساسی دارد.

- در ماده (۲۳) مسئولیت اشخاص غیر از رئیس سازمان نیز در مورد عدم اعمال نظرات شورای نظارت به رسمیت شناخته شده است. درحالی که صرفاً رئیس سازمان مسئول اعمال سازمان و اعمال نظرات شورای نظارت می‌باشد و باید در این خصوص پاسخگو باشد. لذا پیشنهاد می‌شود متن زیر جایگزین متن ماده (۲۳) شود: «رئیس سازمان مکلف است نظرات ابلاغی شورای نظارت را اعمال کند. شورای نظارت می‌تواند در صورت استنکاف او، گزارش استنکاف وی را برای مقام معظم رهبری ارسال نماید. شورای نظارت می‌تواند در صورتی که به هر دلیل از عملکرد رئیس سازمان ناراضی باشد، پیشنهاد عزل رئیس سازمان را به مقام معظم رهبری بدهد. موافقت تمامی اعضای شورای نظارت، برای ارائه پیشنهاد مذکور

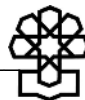
ضروری است».

- درخصوص ماده (۲۴) باید توجه داشت که مطابق اصل سی و چهارم قانون اساسی دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد. از این رو پیشنهاد می‌شود متن زیر به ذیل ماده (۲۴) اضافه گردد: «معتراض در صورت اعتراض به نظر شورای نظارت می‌تواند از طریق مراجع قضایی اعتراض خود را پیگیری کند. پخش پاسخ از سوی سازمان مانع از طرح دعوا در مراجع قضایی صالح نخواهد بود».

- با توجه به مباحث طرح شده در بخش تشکیلات پیشنهاد مشخص آن است که دو ماده زیر به فصل نظارت ملحق شود:

۱. صداوسیما مکلف است ساختار تشکیلاتی خود را براساس قانون مدیریت خدمات کشوری ظرف یک‌سال پس از تصویب این قانون تنظیم کرده و در طراحی مجدد ساختار صداوسیما باید استقلال مدیران شبکه به‌عنوان محور بازسازی تشکیلات قرار گیرد.

۲. عزل و نصب رؤسای شبکه‌های ملی، استانی و بین‌المللی صداوسیما از سوی رئیس سازمان براساس شاخص‌های حرفه‌ای، علمی و فرهنگی مدیریتی است که این شاخص‌ها درخصوص هر یک از شبکه‌ها ظرف ۶ ماه پس از تصویب این قانون با پیشنهاد رئیس سازمان و تصویب شورای نظارت تعیین خواهد شد.



۱۳. در خصوص فصل اموال

در ذیل بند «۷» ماده (۲۶) به اموال «اسقاط سازمان» اشاره شده که پیشنهاد می‌شود عبارت «اسقاط شده توسط سازمان» جایگزین عبارت مذکور گردد. موضوع و حکم مواد (۳۲) و (۳۵) یکسان است، لذا پیشنهاد می‌شود ماده (۳۵) حذف گردد.

از آنجا که لازم است شورای نظارت، بر نقل و انتقالات اموال سازمان نیز نظارت داشته باشد، پیشنهاد می‌شود متن زیر به‌عنوان یک ماده به انتهای فصل پنجم افزوده شود: «تصمیم‌گیری رئیس سازمان در خصوص مواد این فصل، با رعایت تبصره «۱» ماده (۱۲) این قانون، منوط به تأیید شورای نظارت می‌باشد».

۱۴. سایر مقررات

در ماده (۳۶) قلمرو فعالیت‌های اقتصادی و نیز رادیو و تلویزیون سازمان تعیین شده است درحالی که به قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم قانون اساسی ارجاع شده که در آن قانون فعالیت‌های فرهنگی استثنا شده است یعنی سازمان با همین استثنا اولاً می‌تواند در فعالیت‌های فرهنگی، سرمایه‌گذاری کند و ثانیاً واگذاری بنگاه‌های اقتصادی ذیل خود را به تعویق بیاورد.

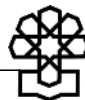
برای رفع این مشکل بهتر است به‌طور صریح آنچه از قانون اجرای سیاست‌های اصل چهارم به‌عنوان فعالیت‌های غیررادیو - تلویزیونی مد نظر است ذکر شود.

در ماده (۳۷) خرید خدمات از بنگاه‌های غیردولتی آمده است، بهتر است مقید به بنگاه‌های غیردولتی دارای مجوز از دستگاه‌های اجرایی ذیصلاح شود.

نتیجه‌گیری

۱. پیش‌نویس «طرح اداره صداوسیما جمهوری اسلامی ایران» به‌گونه‌ای نوشته شده است که دامنه اختیارات آن سازمان را از حوزه رادیو و تلویزیون خارج می‌کند. برخی از وظایف و اختیارات زائد احاله شده به سازمان در این طرح عبارت است از: «ایجاد و توسعه رسانه‌های نوین از قبیل درگاه، رسانه‌های الکترونیکی و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و سایر عناوین مرتبط» - بند «۴» ماده (۷)، «شناسایی نخبگان و هنرمندان و حمایت از آنان»، «خرید، فروش و مبادله ... برنامه‌های چندرسانه‌ای»، «تأسیس و اداره شهرک سینمایی...، سالن نمایش و نمایشگاه در سطح ملی و بین‌المللی»، «مشارکت در بررسی و تصویب استانداردهای تخصصی ... چندرسانه‌ای و فضای مجازی» و «... واگذاری بسترهای ارتباط مخابراتی زمینی و فضایی ... در اقصی نقاط جهان» - بندهای «۵»، «۶»، «۷»، «۹» و «۱۰» ماده (۸).

۲. ایراد دیگر طرح مزبور آن است که حوزه وظایف انحصاری سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران را از پخش رادیو و تلویزیون ابتدا به هر نوع فعالیت رادیو و تلویزیونی و سپس به فعالیت‌های دیداری شنیداری و دست آخر به مجموعه فعالیت‌های رسانه‌ای گسترش داده و در ادامه آن سازمان را متولی تمام‌بخش ارتباطات در کشور دانسته و اختیارات وسیعی از مشارکت در تولید فیلم‌های



سینمایی، ساخت شهرک‌های سینمایی و سالن‌های سینما و حتی ساخت و اداره نمایشگاه‌ها و حمایت از نخبگان به سازمان داده است. این روند ازسویی اعمال حاکمیت دستگاه‌های متولی را مختل و ازسویی به ایجاد انحصارات مغایر قانون اساسی و سیاست‌های اصل چهل‌وچهارم در صداوسیما منجر می‌شود و آن سازمان را بیش از پیش متورم ساخته و از مأموریت اصلی آن که تصدی رادیو و تلویزیون است دور می‌نماید.

۳. علاوه بر آن بندهای «۵» و «۸» ماده (۸) طرح که «برقراری مناسبات رادیویی و تلویزیونی با دیگر کشورها»، «عضویت در مجامع بین‌المللی برقراری و گسترش رابطه با... سازمان‌ها، مؤسسات و اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی...» را بدون الزام به هماهنگی با هیچ مرجع و دستگاه دیگر جزء وظایف سازمان صداوسیما دانسته است نقض صریح اختیارات «وزارت امور خارجه» و «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» است که وظیفه تنظیم روابط با کشورهای خارجی و سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی را برعهده دارند.

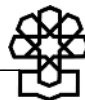
۴. درخصوص تنظیم روابط مربوط به نظارت همزمان بر صداوسیما ازسوی مقام معظم رهبری و شورای نظارت بر صداوسیما (مندرج در ماده (۲۱))، اگرچه اصل ارسال گزارش‌های شورای نظارت به دفتر مقام معظم رهبری که در صدر این ماده بدان تصریح شده از جهت مطابقت با قانون اساسی بلااشکال است، اما ادامه این ماده که با بیان عبارت «تا با سازوکار رسیدگی و اجرای آن به تشخیص مقام معظم رهبری» رهبری را در معرض نوعی تکلیف تلویحی تعیین شده ازسوی مجلس قرار

خواهد داد، مغایر اصول متعدد قانون اساسی و مصداق تعیین تکلیف نهاد مادون برای مقام مافوق است. بدیهی است که گنجاندن عبارت «به تشخیص مقام معظم رهبری» مشکل مذکور را برطرف نمی‌کند، زیرا این عبارت تشخیص رهبری و اختیار عمل ایشان را نه درخصوص اصل رسیدگی به گزارش‌های شورای نظارت بلکه ناظر به نحوه رسیدگی دانسته است. بنابراین ماده (۲۱) علیرغم تصریح به تشخیص و صلاحیت رهبری برای نحوه رسیدگی به شکایت‌های شورای نظارت به‌علت مکلف کردن رهبری به اصل رسیدگی به شکایت‌ها مغایرت صریح با قانون اساسی دارد.

۵. یکی از نقاط مثبت این پیش‌نویس آن است که مطابق بند «۶» ماده (۱۲) تصویب ایجاد یا انحلال کانال‌های رادیویی و تلویزیونی داخلی و برون‌مرزی به پیشنهاد رئیس سازمان به یک مرجع بیرون از سازمان (شورای نظارت) واگذار شده است و پیشنهاد می‌شود که این موضوع به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و چند تصمیم کلان دیگر در سازمان مانند تعیین و تغییر مدیران شبکه‌ها، تعیین و تغییر مدیران ارشد سازمان، هویت‌بخشی و عنوان‌بندی شبکه‌ها و دستورالعمل یا مرامنامه هر شبکه با تصویب شورای نظارت باشد به‌طوری که موانع اجرایی نیز برای سازمان به‌وجود نیاید.

۶. از دیگر نقاط مثبت این طرح آن است که تکلیف ماهیت حقوقی سازمان را روشن نموده و آن را یک مؤسسه دولتی شناخته است.

۷. در مجموع این پیش‌نویس گام‌های مثبتی در جهت رسیدن به یک قانون مطلوب را برداشته، لکن قبل از نهایی شدن در جلسات کارشناسی مشترک و رسیدن به اجماع



میان کارشناسان و نمایندگان دستگاه‌های اجرایی به قامت طرح ایستاده است بنابراین ضروری است موارد تداخل با وظایف و اختیارات سایر دستگاه‌ها (از جمله ماده (۶)، بند «۳» ماده (۷) و بند «۸» ماده (۸) که صراحتاً مداخله در حیطه وظایف وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات دارد)، تعیین دقیق قلمرو انحصارات، خلأ تعاریف عملیاتی و فصل تشکیلات و نیز مسئله کلیدی هماهنگی با قانون اساسی به‌لحاظ نهادهای مرتبط با صداوسیما مانند نهاد رهبری و شورای نظارت و هماهنگی با قوانین عادی از جمله قانون اجرای سیاست‌های اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی در آن حل‌وفصل گردد. در صورت عدم رفع این ایرادات مشکلات موجود در این باب رفع نخواهد شد.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۲۰۴۳

عنوان گزارش: اظهار نظر کارشناسی درباره: «طرح اداره صداوسیما جمهوری اسلامی ایران»

نام دفاتر: مطالعات فرهنگی (گروه هنر و رسانه)، مطالعات حقوقی، مطالعات

ارتباطات و فناوری‌های نوین

تهیه و تدوین: سیدعلی محسنیان

مدیر مطالعه: علی جعفری

ناظران علمی: وحید یامین‌پور، سینا کلهر

متقاضی: کمیسیون فرهنگی

همکاران: سیدمحمدهادی راجی، سیدمجتبی حسینی پوراردکانی، رضا باقری‌اصل

همکاران خارج از مرکز: حسام‌الدین آشنا، رضا بهبهانی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ شروع مطالعه: ۱۳۹۰/۸/۱

تاریخ خاتمه مطالعه: ۱۳۹۰/۸/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۸/۲۳